

فهرست مطالب

(1) تفاوت حکومت‌های سلطنتی و جمهوری 2

(2) عامل مؤثر در مفهوم جمهوریت 3

(3) وجه تمایز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران 3

(4) با وجود رئیس جمهور، آیا ولایت فقیه یک مقام تشریفاتی است؟ 4

(5) رأی اکثریت، مشروعیت آور نیست 4

(6) چرا اطاعت از رئیس‌جمهور بدون تنفیذ ولی فقیه حرام است؟ 5

(7) مخالفت با ولی فقیه در حد شرک به خداست 5

(8) چرا اطاعت از قوانین دولت اسلامی واجب است؟ 6

(9) ولی فقیه از جانب ائمه (ع) منصوب شده است 7

(10) چگونگی احراز فرد واجد شرایط 7

(12) مطمئن ترین راه برای انتخاب رهبر 9

آن چه در این جزوه تقدیم می شود، سخنرانی حضرت آیت ا... مصباح یزدی می باشد که در تاریخ 85/5/25 در گردهمایی یاوران دولت عدالت‌محور در شیراز پیرامون جایگاه و نقش ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران ایراد فرموده اند.

1) تفاوت حکومت های سلطنتی و جمهوری

در ادبیات سیاسی، چند نوع حکومت معرفی می‌کنند. یکی حکومت سلطنتی است که معمولاً با وراثت به حاکم بعدی منتقل می‌شود. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران چنین رژیمی در کشور حاکم بود. این سلطنت تا مدت‌ها مطلقه بود، یعنی سلطان به صورت مستقل تصمیم می‌گرفت و هیچ‌کس نمی‌توانست در کار او دخالت کند؛ ولی بعد از انقلاب کبیر فرانسه و سایر انقلاب‌های آزادیخواهانه اختیارات سلطان به صورت‌های مختلف محدود شد.

نوع دیگر حکومت، جمهوری است یعنی خود مردم در تعیین حاکم دخالت دارند. در عالم، ده‌ها نوع جمهوری داریم. حکومت چین یک میلیارد و چند صد میلیون نفر جمعیت را اداره می‌کند و کمونیستی است، ولی جمهوری خلق چین نام دارد؛ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هم مجموعه‌ای از جمهوری‌ها بود؛ این جمهوری‌ها خودشان هم با یکدیگر تفاوت داشتند و هر جمهوری قوانین مخصوص خودش را داشت.

(2) عامل مؤثر در مفهوم جمهوریت

بعضی جمهوری‌ها ریاستی است که مردم در آن مستقیم رئیس حکومت را انتخاب می‌کنند و برخی دیگر، پارلمانی است، یعنی ابتدا مردم نمایندگان مجلس را برمی‌گزینند و سپس حزب غالب در مجلس، رئیس‌جمهور را تعیین می‌کند. در هندوستان رئیس‌جمهور نقش چندانی در مدیریت حکومت ندارد و بیش‌تر کارها برعهده نخست‌وزیر است؛ اما در همسایگی‌اش پاکستان، رئیس‌جمهور نقش مؤثری در مدیریت حکومت دارد.

این‌ها همه نشان می‌دهد تنها عامل مؤثر در مفهوم جمهوریت این است که مردم نقشی در تحقق حکومت و تعیین حاکم داشته باشند؛ خواه بی‌واسطه و خواه باواسطه. بی‌واسطه مثل جمهوری‌های ریاستی و باواسطه مانند جمهوری‌های پارلمانی.

(3) وجه تمایز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در این میان برخی از جمهوری‌ها پسوندهایی با خود دارند، مثل: جمهوری دموکراتیک، جمهوری اسلامی و... . پاکستان و موریتانی، «جمهوری اسلامی» هستند و این پسوند برای آن‌ها جنبه تشریفاتی دارد. فقط جمهوری اسلامی ایران است که با پسوند خود، می‌خواهد ماهیت حکومتش را تعیین کند.

قانون اساسی همه جمهوری‌ها و سلطنتی‌ها، یک اختلاف روشن با قانون اساسی ایران دارند: در ایران، «ولایت فقیه» داریم که ملی‌گراها همیشه با آن مخالف بوده‌اند. در خبرگان قانون اساسی هم نمایندگان سرسخت ملی‌گراها اصلاً با گنجاندن واژه ولایت فقیه در قانون اساسی مخالف بودند، ولی اکثریت قاطع اصرار داشتند که باید مسأله ولایت فقیه مطرح شود.

(4) با وجود رئیس‌جمهور، آیا ولایت فقیه یک مقام تشریفاتی است؟

گاه این سؤال طرح می‌شود که با وجود رئیس‌جمهور، ولی فقیه چه نقشی دارد؟ تبلیغاتی که از خارج صورت می‌گیرد و در داخل هم کسانی آن را دنبال می‌کنند، به این سمت است که مقام رهبری تضعیف و سرانجام حذف شود. سر این که در قانون اساسی، مقامی جدا از جمهوری و بلکه فوق رئیس‌جمهوری، در نظر گرفته شده است، چیست؟

برخی تصور می‌کنند که ولی فقیه یک مقام تشریفاتی است و چون روحانیان در انقلاب نقش مؤثری داشته‌اند، خواسته‌اند برای خود جایگاهی دست و پا کنند و بر سایر مردم یک نوع امتیاز داشته باشند!

(5) رأی اکثریت، مشروعیت آور نیست

پاسخ این سؤال‌ها به نگرشی برمی‌گردد که اسلام از حکومت دارد. هدف مردمی که انقلاب کردند و صدها هزار شهید دادند، برقراری نظام اسلامی بود. صرف این که مردم رئیس‌جمهوری را برای چند سال انتخاب کنند، هیچ ضمانتی ندارد که مشروعیت الهی داشته باشد و اطاعت از رئیس‌جمهور منتخب واجب شرعی باشد. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که وقتی پنجاه درصد به علاوه یک نفر به کسی رأی‌دادند، اطاعت از او برای دیگران واجب شرعی دارد. حداکثر می‌توانند بگویند: عرف جهانی این است که وقتی کسی رأی‌اکثریت را کسب کرد، دیگران هم باید او را اطاعت کنند. اما این که شرعاً واجب است از او اطاعت کنند به چه دلیل؟!

(6) چرا اطاعت از رئیس‌جمهور بدون تنفیذ ولی فقیه حرام است؟

از ماهیت جمهوری، وجوب اطاعت شرعی از حاکم به دست نمی‌آید. مطلب از این هم بالاتر است؛ ممکن است حتی نود و نه درصد مردم به کسی رأی‌دهند؛ ولی به فرموده امام راحل (ره) اگر رئیس‌جمهور منتخب از طرف ولی‌فقیه نصب نشود، طاغوت به شمار می‌آید و اطاعت از او حرام باشد! این عبارت را نمی‌شود از صحیفه نور حذف کرد، تاویل‌بردار هم نیست. این بینش برخاسته از يك نگرش دینی است که می‌گوید: هیچ انسانی - هر که باشد - حق حکومت بر انسان دیگری را ندارد.

يك انسان که بنده خدا است، به چه حقی می‌تواند به انسان دیگری بگوید: من به تو دستور می‌دهم این کار را بکنی؟! این وجوب اطاعت از کجا می‌آید؟! فقط آن خدایی که اختیار همه به دست اوست، می‌تواند بگوید اطاعت از این فرد هم واجب است: «يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولي الامر منكم».

«اولي الامر» امامان اثني‌عشر هستند. اگر علی (ع) در زمان خود نماینده‌ای می‌فرستاد و می‌فرمود اطاعت از او مانند اطاعت از من واجب است، آیا تخطی از فرمان آن نماینده جایز بود؟! اگر ائمه اطهار سلاما... علیهم اجمعین کسی را تعیین کردند و گفتند از او اطاعت کنید، بر مسلمان‌ها واجب است از وی پیروی کنند.

(7) مخالفت با ولی فقیه در حد شرک به خداست

طبق احادیث، مخالفت با ولی‌فقیه مخالفت با اهل بیت و در حد شرک به خدا است. مگر رئیس‌جمهور با ولی‌فقیه یکسان است؟! آیا اگر کسی با تبلیغات آن‌چنانی و رقص و پایکوبی به ریاست‌جمهور برسد، ولی‌خدا می‌شود؟! باید در رأس نظام کسی واقع شود که از طرف امام تعیین شده باشد. اعتبار از خدا به پیغمبر، از پیغمبر به امام معصوم، از امام معصوم به ولی‌فقیه و از ولی‌فقیه به سایرین کانالیزه می‌شود.

اگر ولی‌فقیه بگوید: از دولت اسلامی اطاعت کنید، آن وقت اطاعت از دولت اسلامی هم واجب شرعی می‌شود، چرا؟ چون اطاعت از ولی‌فقیه واجب شرعی است، بنابراین وقتی او می‌گوید از این اطاعت کنید، این هم اطاعت او شمرده می‌شود.

(8) چرا اطاعت از قوانین دولت اسلامی واجب است؟

امام (ره) می‌فرماید: عمل کردن به قوانین دولت اسلامی شرعاً واجب است. این وجوب از کجا آمده؟ چون او می‌گوید، واجب است. اگر او نگوید چه وجوبی دارد؟! نظام ما اعتبارش از طرف خدا است و رعایت قوانینش وجوب شرعی دارد. وقتی در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و شورای نگهبان هم تأیید کرد که فلان مبلغ باید مالیات بدهید، پرداخت آن مالیات مثل پرداخت خمس و زکات واجب می‌شود، زیرا دولت اسلامی آن را تعیین کرده و دولت اسلامی مورد امضای ولی‌فقیه است، او هم مورد تأیید خدا و پیغمبر است.

این سلسله مراتب، وجوب شرعی می‌آورد. اما اگر این نباشد، همان فرهنگی رایج می‌شود که در همه جای دنیا وجود دارد: فرار از مالیات، نوعی زرنگی است! در صورتی که این مقام وجود نداشته باشد، مقررات مجلس شورای اسلامی اگر به اتفاق آراء هم تصویب شود، وجوب شرعی نخواهد داشت.

چه اندازه وجدان آدم‌ها راضی می‌شود که هرچه اکثریت گفتند، آن‌ها هم عمل کنند؟! حداکثر این است که برای رعایت مصلحت جامعه مخالفت نکنند، اما در دل می‌گویند که این‌ها بی‌اعتبار است، هرگونه منفعت خودم اقتضا کند، عمل می‌کنم! وقتی نمی‌خواهم مالیات بدهم، حساب‌سازی می‌کنم تا مالیات به من تعلق نگیرد! به مأمور مالیات رشوه می‌دهم تا بگوید تو مشمول مالیات نیستی!

فرهنگ لیبرالدموکراسی این را اقتضا دارد؛ ولی اگر فرهنگ اسلامی حاکم شود، پرداخت مالیات به حکومت اسلامی مثل دادن خمس و زکات را بر خود واجب می‌داند؛ دیگر احتیاج نیست که بازرس بیاید و رسیدگی کند، بلکه التماس می‌کند مالیات من را بگیرد تا مال من حلال شود.

(9) ولی فقیه از جانب ائمه (ع) منصوب شده است

ولی فقیه چگونه تعیین می‌شود؟ و مردم چه نقشی در تعیین او دارند؟ وقتی امام معصوم شخصی را با اسم تعیین کند، جای چون و چرا نیست. در زمان غیبت صفای امام زمان صلوات... علیه چهار نفر را با اسم تعیین کردند و اطاعتشان واجب بود. بعد از این چهار نفر، نصب عام است؛ یعنی کسی را با اسم و شخص تعیین نکرده اند؛ فقط گفتند از کسانی که واجد این شرایط هستند اطاعت کنید.

(10) چگونگی احراز فرد واحد شرایط

چگونه احراز کنیم چه کسی واجد شرایط است؟ اگر بخواهیم ببینیم در بین اساتید دانشگاه چه کسی عالم‌تر است، باید سراغ خود استادها برویم. البته به دشواری کسی اعتراف می‌کند که فلان هم‌صنف من از من برتر و شایسته‌تر است. اگر تعداد چشمگیری از اساتید یک دانشگاه بگویند: فلانی از همه باسوادتر است، آیا شما اطمینان پیدا نمی‌کنید که آن‌ها درست می‌گویند؟!

هیچ راهی اطمینان‌بخش‌تر از این نیست که اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در یک فن خبره هستند، شهادت دهند که یک نفر از میان ما از همه شایسته‌تر است. اگر مردمی که اصلاً از این چیزها آگاه نیستند و نمی‌دانند استاد یعنی چه، کدام استاد بهتر درس خوانده و بیش‌تر تحقیق کرده است، رأی‌دهند، چه ارزش و اعتباری دارد؟!

رأی که از روی ناآگاهی داده می‌شود، اعتبار ندارد. اگر همه مردم بگویند آقای الف عالم‌تر است، اما همه اساتید بگویند آقای ب عالم‌تر است، شما به کدام بیش‌تر اطمینان می‌کنید؟! این‌ها صد استاد هستند، ولی آن‌ها شصت میلیون نفر، کدام بیش‌تر برای شما اطمینان می‌آورد؟!

در عالم عقلا برای تعیین فرد شایسته‌تر هیچ راهی بهتر از شهادت اقران وجود ندارد. خبرگان یعنی کسانی که خودشان بهره‌ای از فقاقت و عدالت دارند و مصالح اجتماعی را کم و بیش درک می‌کنند، شهادت بدهند که در بین ما یک نفر از همه بهتر است.

(11) انتخابات؛ مراجعه سیستماتیک به افکار مردم برای شناسایی شایستگان

مسئله دیگر این است که ویژگی‌ها و شرایط لازم برای استادهایی که می‌خواهند شهادت بدهند را از کجا بشناسیم؟ ما باید اطمینان داشته باشیم که این‌ها در بند اغراض نفسانی، باندبازی و جناح‌گرایی و این حرف‌ها نیستند. می‌خواهیم واقعاً بدانیم چه کسی شایسته‌تر است؛ بنابراین باید یقین داشته باشیم که این استادها خودشان آدم‌های باانصاف و مورد اعتمادند؛ این هم راهی جز مراجعه به مردمی که با آن‌ها معاشرت دارند، ندارد. حتی قاضی اسلامی هنگامی که وارد شهری می‌شود، اول باید عدول آن شهر را شناسایی کند.

اگر این مراجعه به افکار مردم برای شناسایی افراد شایسته به صورت سیستماتیک درآید، انتخابات نام می‌گیرد. در نظام حکومتی ما مردم باید بگویند خبرگان مورد اعتماد چه کسانی هستند. این حق آن‌ها است و راه دیگری هم ندارد.

(12) مطمئن ترین راه برای انتخاب رهبر

اگر بخواهیم ببینیم صد مجتهدی که عادل هستند، مردم به آنها اعتماد دارند و می‌دانند اهل انصاف هستند و با پول و وعده پُست و مقام رأینمی‌دهند، چه کسانی‌اند، باید از راه انتخابات وارد شویم. وقتی در بین خبرگان منتخب ملت، از بین هشتاد نفر مثلاً هفتاد و پنج نفر بگویند این شخص از همه ما بهتر است، آیا شما دیگر شك می‌کنید؟!

بنابراین برای تعیین رهبر، هیچ راهی اطمینان‌بخش‌تر از شهادت خبرگان نیست؛ البته خبرگان را باید مردم شناسایی کنند. شورای نگهبان و مانند ایشان اجتهاد خبرگان را تایید می‌کنند اما تقوا و درستکاری و مورد اعتماد بودن را باید مردم تأیید کنند. خود مردم باید بررسی کنند و بگویند این‌ها بیش‌تر مورد اعتماد هستند. بدین وسیله آن‌ها خبرگان مقبول می‌شوند و چنین خبرگانی هر کس را با اکثریت آراء انتخاب کردند، رهبر و مصداق حاکمی می‌شود که امام معصوم (ع) فرمود: من او را نصب کرده‌ام.

مردم در این‌جا وظیفه‌ای سنگین دارند؛ می‌خواهند مصداق آن کسی را تعیین کنند که امام زمان یا سایر ائمه فرمودند ما او را حاکم قرار دادیم و اطاعت او بر شما واجب است. مسئولیت سنگینی است و نمی‌شود به اصالت‌الصحه و حُسن ظاهر اعتماد کرد.

جایگاه ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران

سخنرانی حضرت آیت ا... مصباح یزدی

در تاریخ 85/5/25